

بررسی جلوه‌های ادبیات پایداری در مجموعه سرود درد حمید سبزواری

مریم نضافتی*

چکیده

سرود درد، نخستین دفتر شعر حمید سبزواری است که سروده‌های سال‌های ۳۶ تا ۵۷ را در برمی‌گیرد. در جای جای این دفتر، روح عاصی، حماسی و ستم ستیز شاعر در پس الفاظ و کلمات آهنگین، موج میزند. اشعار آزاد و کلاسیک سبزواری در این دفتر خبر از وجدان بیدار و آگاهی اجتماعی وی در شرایط دشوار می‌دهد. او با تیزهوشی و ذکاوت دشمن واقعی را شناخته و کلامش نیز در راستای همین نکته بوده است. حمید سبزواری سراینده سرودها و اشعار مختلف حماسی، عرفانی اعم از قصیده، غزل، دوبیتی و رباعی است و به مسایل فرهنگی و جامعه‌ی سیاسی دوران انقلاب آشنایی و تسلط کامل داشته است. در این مقاله برآنیم تا با روش تحلیلی جلوه‌های ادبیات پایداری را در مجموعه سرود درد حمید سبزواری بر مخاطب عرضه کنیم.

کلید واژه ها: حمید سبزواری، سرود درد، ظلم، ادبیات پایداری

مقدمه

ادبیات پایداری در واقع عکس‌العملی است که در پی رویدادهایی مانند جنگ و پس از اشغال میهن و عوامل داخلی چون استبداد و کژی‌های اخلاقی پدید می‌آید و این نوع ادبیات، ماحصل مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی چون استبداد، غصب سرزمین و حاکمیت ضد مردمی است (نجمی و قره چاهی، ۱۳۹۷: ۳۲۸).

nezafatim2@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی مرکز پیام نور مشهد

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۳



شعر دوران انقلاب را می‌توان از پررنگ‌ترین اشعار در طول تاریخ ایران و جهان محسوب کرد و سروده‌های شاعران این دوره همانند ستاره زرینی در آسمان ادبیات جهان می‌درخشد شعر پایداری گونه‌ای از شعر است که در آن مفاهیم اعتراض و مقاومت اجتماعی، جنگ در مقابل تجاوزگران و انقلاب در مقابل سلطه‌گران غلبه دارد. با چنین تعریفی، خاستگاه شعر پایداری اجتماعی است و این نوع ادبی از دل رویدادهای ویژه‌ای که در یک جامعه ویژه رخ می‌دهد، بروز می‌کند. (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

از آنجا که سرشت انسان بدی را نمی‌تابد، از این رو ناسازگاری خود را با بیداد و ستم به شکل‌های گوناگون همچون: اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری و مقابله نشان می‌دهد. وقتی که روح این اعتراض در کالبد واژه‌ها دمیده شود، ادب پایداری و مقاومت جان می‌گیرد. به بیان دیگر ادب پایداری تجلی ستیز با بدی، بیداد با سلاح قلم و کلمه است. (آل بویه لنگرودی، ۱۳۹۰: ۳). ادبیات پایداری را نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم می‌دانیم. آن چه در منابع مربوط به نقد ادبی معاصر آمده است، ادبیات ملتزم را به نظریه‌ی ژان پل سارتر نسبت داده که پس از جنگ جهانی دوم در فرانسه ابراز کرده است «ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته شرکت کنیم. ما می‌خواهیم ادبیات و وظیفه‌ی اجتماعی خود را که هرگز نباید فرو می‌گذاشت دوباره به عهده بگیرد. نوشتن شکل ثانویه‌ی عمل است و بنابراین ادبیات موظف است مانند دیگر شکل‌های عمل، بویژه عمل سیاسی در تحول تاریخی و اجتماعی فرانسه شرکت کند.» (نجفی، ۱۳۵۶: ۵۵)

انقلاب عظیم اسلامی ایران، از بزرگترین حوادث قرن و در شمار بزرگترین حوادث سیاسی دنیاست. از آنجا که ادبیات بازتابی از جریان‌ها و حوادث سیاسی اجتماعی است، پیداست که انقلابی با این عظمت و کیفیت، ادبیاتی هم فراخور خویش داشته باشد. محال است ملتی با آن سابقه‌ی ادبیات و با آن فرهنگ پر بار دینی، چنین انقلابی را آغاز کند و به پیروزی برساند اما شعر و نثر و سرود برخاسته از آن را نداشته باشد. این انقلاب و این وضع مردم و ملت ما عمیق‌تر از آن بود که شاعر و نویسنده در برابر آن‌ها واکنش زبانی و بیانی، نشان ندهد. (غنی پورملکشاه و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۹). حمید سبزواری از دل ملت و جامعه‌ای برخاسته که ندای جمعی اش آزادی خواهی است و برای رسیدن به مقصود لحظه‌ای درنگ نمی‌کند. شعر دوران انقلاب شعر مدح و



مبالغه‌گویی نیست و منحصر به امیال نفسانی و خوی طبیعت جوی آدمی نمی‌باشد. در واقع شعر انقلاب بیان دردها و مشقت‌هاست و روح جامعه‌ای را که یکپارچه در راه رسیدن به اهداف الهی صبورانه و خالصانه تلاش میکنند در خود منعکس کرده است. شعر انقلاب شعر شراب و معشوق و بزم و طرب نیست. شعر صحنه‌ی عظیم جهاد و سیاست و انقلاب و جهان‌نگری است. در واقع؛ شعر سبزواری، شناسنامه زمان مند انقلاب است، زیرا کم‌تر حادثه یا رویدادی است که انعکاس از آن در شعر او نباشد. شاعر با حساسیت ویژه خویش، هر رویداد مهم تاریخ معاصر ایران را با گل‌واژه‌های شعرش در حافظه زمانه نقش کرده است تا آیندگان از یاد نبرند که نسل گذشته در چه شرایط دشواری از آرمانها و انقلابش دفاع کرده است. از آنجا که حمید دوران زندگی را همواره با فقر و محرومیت گذرانید روح پرخاشگری و عصیان در وی ظاهر گردید و چون دارای ذوق و قریحه شاعری بوده است، به سرودن اشعار انتقادی پرداخت (محمودی و هاشمی، ۱۳۹۵: ۷۴).

بیان مسئله

از آنجا که شعر دفاع مقدس، یکی از ارکان اصلی ادبیات دفاع مقدس و ادبیات دفاع مقدس، یکی از ارکان اصلی ادبیات پایداری محسوب می‌شود. بررسی آثار شاعران دفاع مقدس به ویژه از منظر واکاوی درون‌مایه‌ای و موضوعی، ضروری‌ترین زمینه تحقیق و شیوه کارآمدی برای شناخت ادبیات دفاع مقدس و ادبیات پایداری است (کاظمی و مرادخانی، ۱۳۹۷: ۲۸۹). با توجه به تأثیر پذیری این شاعر از حوادث تاریخی و سیاسی معاصر و همچنین تأثیر پذیری آنها از شاعران متقدم، بررسی اشعار پایداری حمید سبزواری می‌تواند جنبه‌های ناشناخته‌ی جلوه‌های پایداری اشعار وی را نشان دهد. از این رو؛ هدف اصلی این پژوهش بررسی و شناخت ویژگی‌های شعری و جلوه‌های پایداری در شعر حمید سبزواری با تکیه بر مجموعه سرود درد می‌باشد که با هدف نمایاندن جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های حمید سبزواری و با روش تحلیلی توصیفی صورت گرفته تا در پایان بتوان جلوه‌های ادبیات پایداری همچون ظلم ستیزی، شهادت طلبی، مبارزه و جان فشانی، نقد حکام جور، به تصویر کشیدن جنایت‌های دشمن و... را در اشعار این شاعر انقلابی و ملی به وضوح دید. لذا در راستای پژوهش حاضر سؤال ذیل مطرح می‌گردد:

- اصلی‌ترین جلوه‌ها و مؤلفه‌های پایداری در اشعار سبزواری چیست و چگونه است؟



پیشینه تحقیق

درباره اشعار حمید سبزواری پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. از جمله: در پژوهشی که توسط محمدیان و رجبی (۱۳۹۵)، تحت عنوان جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری انجام شد. این شاعر نستوه و خستگی‌ناپذیر با به تصویر کشیدن شجاعت و شهامت ملی رنج کشیده به انتقاد از حکومت وقت و به افشاگری ظلم و ستم دشمن بعثی می‌پردازد. از اشعار حمید سبزواری چنین استنتاج می‌شود که وی، ضمن مبارزه و انتقاد، با هشدار در مورد بی‌توجهی‌ها و نیز دوری از تسامح نسبت به دشمن، عامل شکست در برابر متجاوزان را اختلاف و تفرقه دانسته و در هر جا که فرصت دست می‌داده، شور و شعور و احساسات مردم را بر می‌انگیخته است.

در پژوهشی که توسط محمودی و هاشمی (۱۳۹۵)، با عنوان بررسی مضامین پایداری در شعر محمد مهدی جواهری و مجموعه «سرود درد» حمید سبزواری انجام شد. نشان می‌دهد، هر دو شاعر خواستگاه ایرانی داشته و هر دو از حامیان مظلومان و ستمدیدگان بوده و در برابر بیداد زمان قد علم کرده‌اند. مفاهیم ادب پایداری نظیر ترسیم ظلم و استبداد، دعوت به مبارزه علیه ظلم، امیدوار کردن مردم در پیروزی، بیان ظلم و جنایت و بی‌عدالتی، بزرگداشت شهدا، ستایش آزادی و آزادگی و سرزمین در سروده‌های هر دو به وفور یافت می‌شود.

در پژوهشی که توسط وفایی خوش (۱۳۹۳)، تحت عنوان بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار توفیق زیاد، عبد الرحمن جبر الخادی، قیصر امین پور و حمید سبزواری انجام گرفته است نشان می‌دهد این پژوهش جلوه‌های پایداری را در اشعار توفیق زیاد، عبد الرحمن جبر الخالدی، قیصر امین پور و حمید سبزواری که با ژرفنگری و دوراندیشی خود در عالم ادبیات، تصاویر تطبیقی یکتایی را خلق کرده‌اند، به صورت تطبیقی بررسی نموده است. همچنین اعتقاد این شاعران را که مبتنی بر آمادگی همه جانبه‌ی دفاعی که شرط لازم برای رسیدن به آزادی و استقلال است، تحلیل و تفسیر ساخته است.

در پژوهشی که توسط بمانی (۱۳۹۱)، تحت عنوان جلوه‌های پایداری در اشعار حمید سبزواری و محمد علی معلم دامغانی انجام گرفته است حمید سبزواری و محمد علی معلم دامغانی، دو تن از



شاعران مشهور ادبیات آیینی، پایداری و انقلاب اسلامی هستند که مضامینی، همچون: جهاد و ایثار و شهادت، فلسفه‌ی انتظار و حماسه‌ی عاشورا، حق طلبی و استعمار و استکبار ستیزی را، به ویژه پس از پیروزی انقلاب در اشعارشان آورده‌اند.

عبدالجبار کاکایی (۱۳۸۰)، در کتاب بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان موضوع شعر پایداری، جنگ از نظر دین و فلسفه، فلسفه‌ی پایداری، نقش حماسه در ادب پایداری، پیوند حماسه و غنا در ادب پایداری، حوزه‌ی طرح آرمان‌ها و تفکرات و حوزه‌ی بیان شجاعت ستایش فتوحات را بررسی کرده است.

محمد رضا سنگری در کتاب نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس (۱۳۷۰)، شعر پایداری در عصر پیامبر(ص)، شعر پایداری پس از کربلا، دفاع از حریم اسلام در عصر مشروطه، غزل پایداری و ویژگی‌های غزل دفاع مقدس را بررسی کرده است.

پژوهشی که توسط جهرمی و طالبیان (۱۳۸۹)، تحت عنوان مضامین و بن مایه‌های ادبیات پایداری در اشعار ادیب الممالک فراهانی انجام شد، با ذکر مختصری از زندگی و احوال ادیب الممالک، به بن مایه‌های ادبیات مقاومت در اشعار وی، چون وطن دوستی، ظلم ستیزی، ابراز انزجار از دشمن، دعوت به اتحاد ملی، غیرت اسلامی، حق طلبی، مرثیه بر شهدای راه آزادی، ستایش از آزادی و مشروطه و مضامینی از این دست پرداخته است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از مباحث ضروری بررسی اشعار شاعران معاصر، توجه به اصالت و هویت ایرانی در زمینه‌های اسلامی، حماسی و پایداری است. ادبیات پایداری، گرچه عمری کوتاه دارد، اما شامل ابعاد وسیعی می‌شود و از گذشته‌ی دور، شاعران و ادیبانی بوده‌اند که چنین شعرهایی را سروده‌اند، ولی این عنوان (پایداری) بر شعرشان اطلاق نمی‌شد. اهل قلم، به عنوان قشری متمایز از عوام مردم، هرگاه در جامعه، ستم، زور و قلدریای مشاهده کنند، با روان کردن جوهر قلمشان، بر وضع موجود، اعتراض می‌کنند. در این بین، ادبیات، به ویژه عناصر آن، دستی توانا در بازتاب اندیشه‌های شاعرانه و همچنین نمایان کردن وضع نابه سامان ملت مظلوم دارد. از جانبی دیگر،



ادبیات پایداری، اصلی سازنده و پویاست که با سرنوشت تمام ملت‌های بی دفاع گره خورده است و این نوع ادبی، در دور دست، نوری را می‌بیند که تاریکی را می‌زداید و آینده‌های روشن را برای مردم صاحب قلم، امید دارد (وفایی خوش، ۱۳۹۳: ۱۵). در واقع؛ مطالعه اشعار استاد سبزواری از دیدگاه ادبیات پایداری می‌تواند در برانگیختن روح پایداری و نیز آشنا ساختن مخاطبان، به ویژه ادب پژوهان و نسل جوان با پیام آن، نقش بسیار مهمی را ایفا کند و زمینه‌های وحدت و همدلی را در میان جامعه بیش از پیش آشکار سازد و الگوهای ایثار، ایمان، شهامت و شجاعت را برای نسل کنونی معرفی کند (محمدیان و رجیبی، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

بحث و بررسی

چهارچوب نظری

شعر پایداری

ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند. بنابراین جان‌مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. به عبارتی ساده‌تر، سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین بود، تحت عنوان ادبیات پایداری / مقاومت قابل تقسیم بندی است (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹). در واقع ادبیات پایداری، یعنی ادبیاتی که در وجود سلبی ایجابی‌ای چون نفی وضع ظالمانه موجود و ایجاد وضع عادلانه از حق و نفی باطل ظهور پیدا می‌کند (زودرنج و کوچکی نیت، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

ادبیات پایداری در ژرف ساخت خود با جامعه و اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی آن ارتباط دارد و به نوعی تابعی از بسترها و شرایط بیرونی اجتماعی به شمار می‌آید. بنابراین ادبیات پایداری و مقاومت نه تنها نماد جلوه‌های بیرونی مختلف جامعه است بلکه تلاش می‌کند تا جامعه را به



حرکت و تلاش و پایداری در مقابل کاستی‌ها و یا معایب نمودها دعوت و حتی تهییج نماید و می‌کوشد تا آن را نیز دگرگون سازد. (نوبین، ۱۳۹۰: ۲۲۳)

هر یک از انواع متعدد ادبیات مقاومت، به فراخور موقعیتی که سبب خلق آنها بوده یا جامعه و کشوری که در آن شکل گرفته می‌توانند مؤلفه‌های دیگری هم داشته باشند لذا مؤلفه‌های گوناگونی در ادوار مختلف تاریخی به ادبیات پایداری ایران شکل داده‌اند. مؤلفه‌های اصلی ادبیات پایداری در شاهنامه و اشعار ناصر خسرو خردگرایی و بیگانه ستیزی با تأکید بر عنصر زبان و عناصر هویت ملی و اندیشه‌های شیعی است. فردوسی با تأکید بر خردگرایی، ملیت و مذهب، مبارزه فرهنگی با نژادپرستی عربی و تعصبات مذهبی امیران ترک را در قالب نقد خودکامگی (منی) فزون خواهی (آز) و بی عدالتی (بیداد) و جهت همت خود قرار می‌دهد امادر شعر ناصر خسرو مؤلفه مذهب نقش پررنگ تری دارد. (ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۴۰۲)

شعر انقلاب و پایداری - شعر متعهد - شعری است که به آدمی، اخلاق و آرمانها وفادار است و در یک واحد عین یعنی مثلاً یک دفتر شعر به راحتی این تعهد و آرمانگرایی قابل بررسی و جستجو است. لذا نباید از شاعر متعهد انتظار غیر ضروری داشته باشیم، اینکه مثلاً در تک تک سروده‌هایش مشخصاً از آرمانها سخن بگوید و قافیه وردیف شعرهایش کلماتی انقلابی باشند. اگر شعرهای شاعری در یک دفتر شعر متکی بر اخلاق و نگاهش نگاهی انسانی و دلسوز مردمان و منعکس کننده آفات جامعه و هدایتگر آن باشد باید او را شاعر متعهد نامید (نظافت، ۱۳۸۲: ۶۳).

در دوران انقلاب، ادبیات انقلاب اسلامی با شعار وارد میدان شد «این شعارها و گاه سروده‌ها بنابر ماهیت ادبیات مقاومت با ویژگیهای ادب عامه همراه بود؛ یعنی انتخاب وزنه‌های ساده، ابیات کوتاه و سروده‌های آهنگین و شعر در مفهوم عام آن به عنوان رایج ترین نمودار ادبی بین مردم ایران به یاری این مبارزه آمد. انتخاب اوزان ساده و کوتاهی مضامین در شعرها و سروده‌ها به همه گیر شدن آن در تظاهرات مردم کمک کرد. چنین سروده‌هایی تا پیروزی انقلاب اسلامی در همه راهپیمایی‌های بزرگ خیابانی، شب نامه‌ها، اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و.. کاربرد گسترده‌ای داشت و به عنوان سلاحی شفاهی، به وسیله توده مردم بر ضد نظام شاهنشاهی به کار گرفته می‌شد.» (بهبودی، ۱۳۷۳: ۹۱).



ادبیات پایداری چه در حوزه دشمنان داخلی و چه در حوزه خارجی، در تاریخ ادبیات فارسی پیشینه‌ای طولانی دارد و جریان‌ها، شیوه‌ها و نمونه‌های متعددی از حضور آن را در ادوار مختلف شعر فارسی، می‌توان ارائه داد. یکی از تقسیم‌بندی‌های شعر مقاومت معاصر فارسی، تفکیک آن به دوران مشروطیت، عصر پهلوی و دوره انقلاب اسلامی و روزگار پس از آن است. (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

ادبیات پایداری در تاریخ اسلام

نخستین سروده‌های پایداری در تاریخ اسلام قصاید حضرت ابوطالب (ع) در ستایش و دفاع از ساحت پیامبر و مسلمانان شکنجه دیده است. نخستین سروده‌ای که در تاریخ اسلام در صحنه نبرد ثبت شده است از آن حمزه سیدالشهدا است. حمزه در شعری به سبب اینکه پرچم فرماندهی را از دست پیامبر (ص) دریافت کرده و نخستین فرماندهی سپاه مسلمانان شده است، شعری زیبا سروده است.

شعر و رجزی که در میدان جنگ خوانده می‌شود، می‌تواند برنده تر از سلاح باشد و تاثیری به مراتب عمیق‌تر بر طرف مقابل بگذارد. رجز ابودجانه، صحابه پیامبر (ص) و رجز علی (ع) به ویژه در جنگ احزاب در برابر عمرو بن عبدود سروده‌های شکوهمندی از این گونه است.

نمادپردازی در شعر پایداری

توجه به نمادهای ملی و اسطوره‌ای در آثار شاعران دفاع مقدس باعث نمی‌شود مضامین و عناصر فرهنگ ملی مورد غفلت واقع شود. برخی از شاعران با استفاده از این عناصر، پشتوانه‌ی فرهنگی شعر خود را غنی کرده و با تلفیق عناصر مذهبی و ملی نشان داده‌اند. میان آنها تضادی وجود ندارد و در صورت بهره‌گیری از پشتوانه‌های فرهنگی و ادبی می‌توان آثاری زیبا خلق کرد. شخصیت‌ها و قهرمانان ملی نظیر رستم، کاوه، آرش، سیاوش، اسفندیار، سهراب، بابک و تهمینه و... بیشتر در نمادسازی مورد توجه این شاعران بوده‌اند. شاعرانی مانند سلمان هراتی، حسین اسرافیلی، نصرالله مردانی، ضیاءالدین ترابی، بهمن صالحی و موسوی گرمارودی از این عناصر بیشتر استفاده کرده‌اند. (طاهری، ۱۳۸۷: ۱۴۴).



«نماد در شعر جنگ دارای تنوع و تعداد قابل اعتنایی است. پشتوانه انقلاب بنیانی آیینی و مذهبی دارد و باحماسه‌های تاریخی و اساطیر، پیوند خورده است، تطبیق تاریخ و زمان و ارتباط با ادبیات جهان و شناخت نمادهای مشترک جهانی طبیعت‌گرایی نوین از علل روی آوردن شاعران به نماد است و تفکر مبارزه دو قطب حق و باطل درعالم، زمینه این فزونی و تکثر را برای نمادگرایی شعر جنگ پدید آورده است.» (کافی، ۱۳۸۱: ۲۷۹)

نمادها، همواره درد و حوزه معناگرایی و تصویرآفرینی نقش عمیق داشته‌اند و همین دو خصلت ارزشمند ادبی سبب شده است تا نمادها درساز و کار سرایندگی به شکل کارآمد مورد توجه قرار گیرند. شاعران شعر سپید پایداری نیز برای رهایی از ورطه شعارزدگی، راهی جز تمسک به نمادهای گوناگون نیافتند و به این ترتیب به کارگیری نمادها تداعی پر راز و رمزی را درحوزه‌های تمثیلی با زمینه‌های فرهنگی، آیینی و تاریخی ایجاد نمودند و به شیوه سمبلیک نزدیک و نزدیکتر شدند. (محقق، ۱۳۹۰: ۳۳).

ارائه و تحلیل داده‌ها

برخی از نمادها ریشه در فرهنگ ملی دینی و حتی قومی دارد. ملت‌هایی که فرهنگ دینی مشترک دارند نمادهای مشترک نیز دارند مثلاً در ادبیات کشورهای اسلامی مانند ایران، مصر نمادهایی چون عاشورا، حسین، یوسف، فرعون، و... با مفاهیم نزدیک به هم فراوان است.

محو شد از صفحه هستی نقش صد ضحاک بیم انگیز

کاوه را نازم که رسم اوست جاودان تا صبح رستاخیز

به همه ضعف و زبونی با همه بی مایگی

این به دعوی رستم است و آن دگر اسفندر

خصم از کلکم نیارامد و آرامد

برصف ضحاکیان چونان که پور آبتین

(سبزواری، ۱۳۶۷: ۹۸)



حمید سبزواری، گاه با یادآوری تاریخ پرشکوه گذشته ایران و با استفاده از اسطوره‌های نامدار ایرانی، شرایط فعلی حاکم را با شرایط تاریخی اسطوره‌ای مقایسه کرده است. به عنوان مثال در سرود درد استفاده از اسطوره‌ها و تلمیحات وطنی در جدول فوق، به چشم می‌خورد.

سحرکن شیبی را که روزی ندارد	بیفکن شراری به کاشانه ید
تو بمان‌ای شب وای بخت سیاه	تو بمان‌ای غم این راه دراز
آه‌ای مرغ شب وای همدم من	نال‌ه هر شب خود را سرکن

(سبزواری، ۱۳۶۷: ۱۶)

در کتاب سرود درد «شب» علاوه بر اینکه به معنای خود «شب» و به عنوان قیدزمان آمده است معانی دیگری نیز دارد. واژه شب با مفهوم ناامیدی، ظلم و ستم، دیو و شیطان و اهریمن بارها در شعر سبزواری تکرار شده است و جنبه نمادین دارد.

افق تاریک، شب سنگین و وحشتناک	فضای شهر را پر کرده بوی مرگ
زبام و در طنین، بی شکوه ناله	نفس در سینه‌ها خشکیده و اشباح بیم انگیز
هرسودر تکاپویند و دژخیمان می‌تازند	و می‌سوزند ز دیگر سو همه فریادها خاموش

(همان، ۱۳۶۷: ۷۵)

در این شعر شاعر به بیان ستم و ظلم حاکم اشاره می‌کند. کشت و کشتار و خونریزی روی زمین را پر کرده است، شب با اندوهی بی پایان ادامه دارد. و مردمان آن سرزمین زیر بار ظلم و ستم هستند از ترس دژخیمان و ظالمان نفس در سینه‌های آنها حبس شده، و توانایی فریاد کشیدن را ندارند.

به لب، لب، لب می‌فشارد شهر	نگاه بی‌زبانان، قصه گو نجواس
سکوت ژرفشان گویاست	هیس!!! ه... ی... س! حاکم تشنه‌ی خون است

(سبزواری، ۱۳۶۷: ۷۵)

شاعر بیان می‌دارد؛ سکوتی عمیق همه جا را پر کرده و حاکم ستمگر تشنه‌ی خون مظلومان ستمدیده می‌باشد، و مصراع پایانی تکرار شده است، که این نشانه‌ی تأکید می‌باشد، و اوج خفقان را نشان می‌دهد، شاعر یارای ادای کامل کلمه‌ی «هیس» را ندارد، و آن را به صورت بریده بریده سروده است. جامعه‌ای با اشباح ترسناک و دژخیمان خون ریز و شهری خاموش و سکوتی وحشت بار.



از آن آتش که بر جام دارم از ویرانی ایران
دل‌م چون جغد غم در گوشه ویرانه می‌سوزد
بر بسته چون دوزی تو لب‌ای پور ایران از سخن
بیند چو خاموشی تو دشمن رجز خوانی کند
(همان، ۱۳۶۷: ۶۸)

نگاه به وطن و سرزمین با مفهوم زادگاه و سرزمین و خاک در سرود درد بسیار مشاهده می‌شود
درد و غم وطن پرستی و میهن پرستی را می‌توان در لابه لای اشعار مشاهده نمود.
دارم دلی چون پر و زَن، زین بردگان ممتحن
گه با وطن خواهان قرین، گه با وطن خواهان به کین
آن مفلسان لافزن، وین سفلگان بی ثمن
گه یار کفر و گاه دین، گاهی موحد گه شمن
در سینه دارم دردها، از دست این نامردها
زین تیره‌ی عاری ز حق، رخسار حق شد ممتحن
(سبزواری، ۱۳۶۷: ۷۸)

در این شعر سبزواری قلب خود را همچون غربالی دانسته است، و از بردگان و مفلسان لافزن و
افراد پست بی ارزش سخن به میان آورده، و از افراد پیمان شکن و انسان‌های نادان که عهد و پیمان
را شکستند بیزار است.
بر گشته از ناوردها، بنشسته در بیت الحزن
تارنگ خون گیرد شفق، ای حق یکی پرتو فکن
زان هم‌رهان تیره دل، پیمان شکن ایمان گسل
بر کاخ استبداد زن، برقی که تا ویران شود
از عهدشان وجدان خجل، وز جهدشان ویران وطن
این برزن پر دیو و دد، این مکمن پر اهرمن
(همان، ۱۳۶۷: ۷۸)



شاعر از افرادی که باعث ویرانی وطن و جامعه شدند و افراد شهره‌ی آفاق، که رفیق جهل هستند و عاری از دانش می‌باشند، سیمای پیامبران و خلق و خوی شیطان دارند، بی هنر، زیاد خواه و تیره روان می‌باشند و ظاهر و باطنشان به اندازه‌ی ظاهر مردان مرد و اهریمن فاصله دارد، گله دارد.

ستم به نام عدالت همی شود اعمال کجاست آنکه ازین حيله پرده بردارد
توان ناله ندارم ز بیم شحنه شهر خدای را که از این ماجرا خبر دارد
(سبزواری، ۱۳۷۶: ۳۱۲)

سبزواری از ستمی که بر مردم با فریب و به نام عدالت روا می‌شود می‌سراید و عقیده دارد سرانجام باید این فریب را برای مردم آشکار کرد؛ سبزواری که از ستم دوره پهلوی بیزار است، بیان می‌کند که از ترس حکام حتی توانایی آه و ناله ندارد.

نتیجه‌گیری

حمید سبزواری با استفاده از این عناصر مذهبی، پشتوانه‌ی فرهنگی شعر خود را غنی کرده و با تلفیق عناصر مذهبی و ملی اشعاری زیبا خلق کرده است. اشعار کلاسیک حمید سبزواری در مجموعه سرود درد وجدان بیدار و دغدغه اجتماعی او را به مخاطب نشان می‌دهد. این شاعر نستوه با به نمایش کشیدن ستم موجود در زمانه به انتقاد از حکومت وقت و به افشاگری ظلم و ستم دشمن بعثی می‌پردازد. حمید سبزواری مهمترین عامل فروپاشی نظم اجتماعی را وحدت و تفرقه دانسته و در لابه لای اشعارش احساسات مخاطب را برانگیخته است. شعر سبزواری، خالی از صنعت پردازی و تکلف و لفاظی‌های بی مورد است و در عین حال بسیار رسا و استوار است. وجود لحن حماسی نفوذ کلام او را در ذهن مخاطب چند برابر ساخته است.

معتقد است که هر ملت و کشوری، اگر امروزه با استفاده از ابزار فنی و زبان شیوای ادبیات به ویژه شعر و داستان، قصد به تصویر کشیدن و نمایان کردن حماسه‌ها و دلیریهای جنگ و ثبت لحظه‌های ماندگار پایداری را نداشته باشد، بدون شک، بخش زیادی از هویت ملی و تاریخی خویش را به دست باد سپرده است؛ به همین سبب، اهل قلم، اعم از شاعر، نویسنده و پژوهشگر باید، از این پس با دغدغه‌ای شگرف تر به این امر مهم و حساس، اهتمام ورزند تا حقیقت ادبیات



پایداری در ذهن نسل پرشگر آینده مورد شک و انکار قرار نگیرد. به طور کلی به نتایج زیر می‌توان دست یافت:

- ۱- حمید سبزواری از جمله شاعران ساده گو و پرگویی است که سادگی و روانی سخن او در اشعارش نمایان است. وی بخش اعظم اشعار پایداری اش را به درون مایه‌های استبداد ستیزی، دفاع مقدس، آزادی خواهی، انقلاب اسلامی، شهادت و امام خمینی اختصاص داده است.
- ۲- حمید سبزواری هرچند به خاطر مضمون انقلابی سروده هایش از جانب برخی شاعران و هنرمندانی که پیرو سبک فکری متفاوتی هستند مورد نقد قرار گرفته و می‌گیرد و شاید از لحاظ ارزش‌های روز ادبی در ایران و دنیا به سروده‌های فعلی وی انتقاداتی عمیق وارد باشد، اما اشعار او به ویژه اشعار انقلابی اش یک ویژگی بارز دارد آن هم این که در زمان خود و مطابق با هدف خود، به خوبی موثر واقع شد و به خوبی درخشید.
- ۳- شعر پایداری استاد از نظرگاه ادبی، شعری است روان، رسا و هیچ پیچیدگی در کار زبان شعرش وجود ندارد؛ و اگر از معدود سروده‌های مبهم و ناموفق او بگذریم در داوری نهایی باید اشعار پایداری وی را موفق و قابل قبول معرفی کرد.
- ۴- اشعار حمید سبزواری شناسنامه‌ی زمانمند انقلاب اسلامی است، و شعر او فریاد و خروش است به دور از هرگونه تغزلات و عشق‌های نازل و مجازی. خروش او و فریاد او همانند مصلحان و متفکران ماست که بر ضد انسان‌مداری عصر ما بر آسمان رفته است.

منابع

- آل بویه، لنگرودی، (۱۳۹۰)، «جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شبّانی»، نشریه ادبیات پایداری، سال دوم، شماره چهارم، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- بمانی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «جلوه‌های پایداری در اشعار حمید سبزواری و محمد علی معلم دامغانی»، محمد جرفی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.



تسلیم جهرمی، فاطمه، طالبیان، یحیی، (۱۳۹۰)، «مضامین و بن مایه‌های ادبیات پایداری در اشعار ادیب الممالک فراهانی»، مجله: ادبیات پایداری، شماره ۳ و ۴، (۹۱-۱۱۲).

زودرنج، صدیقه، کوچکی نیت، زهرا، (۱۳۹۷)، «بیداری و پایداری فلسطین در اشعار تمیم برغوثی»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دهم، شماره هجدهم، ۱۷۲-۱۵۰. سارتر، ژان پل، (۱۳۸۸)، «ادبیات چیست». ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: نیلوفر.

سبزواری، حمید، (۱۳۶۷)، «سرود درد» انجمن قلم ایران، تهران.

سبزواری، حمید، (۱۳۷۶)، سرود درد، چاپ اول، تهران: کیهان.

سجودی، فرزانه، (۱۳۸۵)، «ساختار شعر پایداری» مجله بیناب، شماره ۱۰.

سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۶)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، چاپ اول، تهران: پالیزان. طاهری، قدرت‌الله، (۱۳۸۷)، «نگاهی به جریانهای شعری فعال در عصر انقلاب اسلامی»، مجله کتابماه ادبیات، شماره ۱۳۶.

غنی پور ملک‌شاه، احمد، خلیلی، احمد، مهدی نیا چوبی، سید محسن، (۱۳۹۱)، «تحلیل مولفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده»، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۴، شماره ۷.

قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۷۸)، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و شرح مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.

کافی، غلامرضا، (۱۳۸۱)، دستی بر آتش، نوید شیراز، شیراز، چاپ اول.

کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی موضوعات ادبیات پایداری در شعر ایران و جهان، نشر پالیزان، ص ۱۶۰.

کاظمی، داوودرضا، مرادخانی، صفیه، (۱۳۹۷)، «درون مایه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های بهمن ساکی با تکیه بر دفتر آهوان پیر»، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دهم، شماره هجدهم، ۲۸۸-۳۰۸.



محسنی نیا، ناصر، (۱۳۸۸)، «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره اول، کرمان.

محقق، جواد، (۱۳۸۹)، کلمات درخط مقدم، روایت فتح، تهران.

محمدیان، عباس، رجبی، مسلم، (۱۳۹۵)، جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری، مجله: ادبیات پایداری، شماره ۱۴، (۱۹۵ - ۲۱۶).

محمودی، مریم، هاشمی، زینب السادات، (۱۳۹۵)، بررسی مضامین پایداری در شعر محمد مهدی جواهری و مجموعه «سرود درد» حمید سبزواری، مجله: مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۳۸، (۷۱ - ۸۷).

نجفی، ابوالحسن، (۱۳۵۶)، وظیفه ادبیات، جلد ۱، تهران: کتاب زمان

نظافت، مجید، (۱۳۸۲). «نگاهی اجمالی به سیر تکوینی شعر انقلاب». مجله شعر، زمستان، شماره ۳

نجمی، شمس الدین، قره چاهی، سعیده، (۱۳۹۷)، «جلوه‌های پایداری در نهضت شیعی سربداران»، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دهم، شماره هجدهم، ۳۴۶-۳۲۸.

نوین، حسین، (۱۳۹۰)، «رویکردهای جامعه شناختی در شعر دفاع مقدس». فصل نامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال دوازدهم، شماره

وفایی خوش، قدرت الله، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار توفیق زیاد عبد الرحمن جبر الخادی، قیصر امین پور و حمید سبزواری»، محمدجرفی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک.